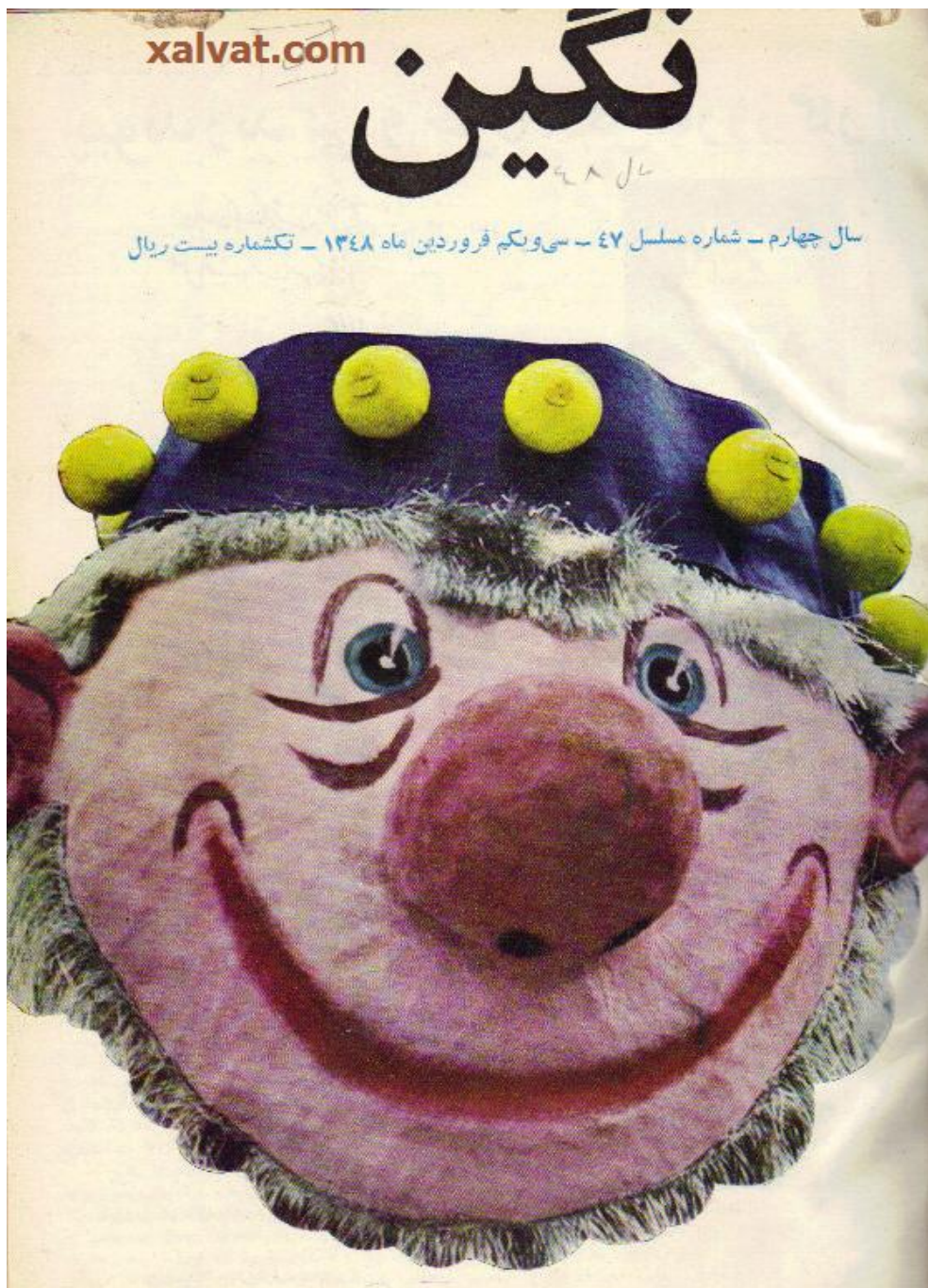




هوشنگ کاووسی : عبدالحسین سینتا ، پایه گزار سینمای ایران



# پایه گزار سینمای ایران

alvat.com

## عبدالحسین سینتا



مرحوم عبدالحسین سینتا

آنهايکۀ فيلم‌های «دختر لُر»، «فردوسی»، «شیرین و فرهاد»، «لیلی و مجنون»، «چشمان سیاه» را دیده‌اند و چیزی از آنها هنوز بخاطر می‌آورند، چهره عبدالحسین سینتا برایشان از وری توده ابرهای خاطرات گذشته پدیدار میگردد، چهره‌ای سنپاتیک با خطوط مرتب.

این‌عناوین که بالاتر آوردیم نام نخستین فیلم‌های ایرانی است که سعی پارسیان ایران دوست مقیم هند و بهمت عبدالحسین-سینتا در نخستین سالهای سینمای ناطق ساخته شده‌است.

در آن دوران من يك دستاينی بودم و علاقه‌مند به سینما، وقتی این فیلم‌ها را بادستانیان دیگر تماشا کردیم چهره سینتا نیز در میان چهره‌های محبوب سینمایی دیگر آنروز: رامون نووارو کن‌ماینارد و دیگران که عکس یا کادری از فیلم‌های آنانرا در لابلای اوراق کتاب درسی نگاه میداشتیم، برآیمان عزیز شد.

در مدرسه از هم می‌پرسیدیم، چنددفعه «دختر لُر» را دیده‌ای؟ فلان صحنه چه خوب بود، عکسی از سینتا در آن ایام داشتم که بعد ها وقتی در اصفهان با او ملاقات کردم آن عکس را که بهمراه داشتم به او دادم و پشت آنرا برایم نوشت. تصادفا در میان عکس‌هایی که از آن اوقات بیادگار مانده عکس زرد شده او را نیز جندی قبل یافتیم و این عکسی است که در این بحث می‌بینیم.

سینتا را در حالی دیدم که در بستر بیماری استراحت میکرد. خاطرات خود را برایم گفت او در بمبئی به مطالعه در اطراف کیش زرتشت و زبان پهلوی مشغول بود روزنامه‌ای هم بنام «دور نمای ایران» داشت که بعلت هوا خواهی از آزادی زنان ایرانی بدستور افرادی از آنجمله مرحوم تدین اثراتوقیف کرده بودند و چون سخن از برپاداشتن جشن هزاره فردوسی در ایران بود سینتا خواست فیلمی درباره فردوسی بسازد و همزمان با ساختن این فیلم، داستانی برای ساختن فیلم دیگری در خاطرش خطور کرد که بر پایه ترقیات ایران آنروز قرار داشت: دختر لُر این نخستین فیلم سینتا بود که در ایران روی پرده آمد و «فردوسی» بعدا به نمایش گذاشته شد. دختر لُر موجب جمع‌آوری پول فراوان برای صاحبان سینماهای آنروز گردید و سهم زیادی نصیب تهیه‌کنندگان و سازنده فیلم شد و «دختر لُر» در تاریخ اقتصادی فیلم و توسعه سالن‌نمایش مورخه‌ای درخشان محسوب میگردد.

فيلم‌های دیگر سینتا عبارت بود از «شیرین و فرهاد»، «لیلی و مجنون»، «چشمان سیاه» و ظاهرا فیلم پرماجرانی بنام «جعفر سیاه» که در ایران ناشناخته باقیمانده است.

نام پرسوناژ «جعفر» که در فیلم «دختر لُر» توسط سینتا ایفا گردید برای وی در حقیقت نام نخست شد و کسی سینتا را جز بنام «جعفر» نمی‌شناخت. سینتا بعدها سینما را متاسفانه، رها کرد و به ایران بازگشت و در اصفهان مقیم شد و روزنامه‌ای بنام «سینتا» در این شهر منتشر کرد.

سالها پیش به هنگامیکه سفری به اصفهان کردم چون میدانستم او در آن شهر مقیم است از تهران نیت دیدارش را داشتم وقتی به خانه‌اش رفتم در بستر بیماری بود و چون سخن گرم شد پایه احاطه و تسلط او بر حوادث جهان و مخصوصا دانش وسیع او درباره ایران باستان و آئین زرتشت و زبان پهلوی موجب تحسین من شد صحبت از صادق هدایت و مایه فراوانی که او از زبان پهلوی و دانش ایران کهن داشت بمیان آمد. سینتا آرزو میکرد که روزی

ایران دارای سینمایی درخشان باشد که مانند شعر و ادب و تمدن باستانی‌اش جایی در فرهنگ جهان باز کند.

سینتا خود سوژه فیلم‌هایش را نوشت، اشعار آنرا سرود و آنها را جلوی دوربین برد و خودش نیز در نقش‌های نخست‌ظاهر گردید و رول‌هایش را با راستی و درستی انجام داد و در حقیقت او در تمام زندگی رل خود را با همین راستی و درستی انجام داد و این اشاره‌ایست از خود او در پشت عکسی که یادگار بمن سیرد.

«دنیا صحنه‌ایست بزرگ، بشر بازیگر است نابینا، طبیعت رئیسوری است زبردست.... خوشبخت هر که رلی به او واگذار شود با راستی و درستی انجام دهد.»

روزنامه‌ها نوشتند که عبدالحسین سینتا در گذشته است او در حقیقت نخستین فیلمساز، نخستین سناریونویس و نخستین جوان اول و در يك پایه‌گزار سینمای اصیل ایران است و یادش گرامی.

هوشنگ کاوسی

